

تاریخ دریافت : ۹۵/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش : ۹۶/۰۸/۱۳

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
A Comparative Study of Two Narrations with "Dispute" theme, in Two Pieces of Writings by
Sa'adi and their Representations in Figures by "Kamal-ud-Din Behzad" and
Reza Abbasi" with a Look at Principles of Intertextuality"
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مطالعه تطبیقی دو حکایت با درون‌مایه جدال از سعدی و باز نمود آنها در دو نگاره از کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی با نظر به مبانی بینامتنیت

مُحی‌الدین آقاداودی*
مهدی دوازده‌امامی**
محسن محمدی فشارکی***

چکیده

نگارگری و ادبیات به‌عنوان دو گنجینه اصلی هنر ایرانی در طول تاریخ پیوندی قوی داشته‌اند و شناخت هرچه بهتر آنها موجب ارتقای سطح فرهنگی و هویتی ایرانی-اسلامی خواهد شد. با توجه دقیق به وضع موجود و پژوهش‌های قابل‌دسترس، می‌توان دریافت که انتخاب موضوعی واحد در هر دو حوزه، مقوله‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده است. ضرورت این تحقیق دستیابی به شناخت عمیق در راستای شفاف‌سازی روابط پنهان بین دو مقوله نگارگری و ادبیات و درک روابط انسانی و اجتماعی حاکم بر فضای روحی هنرمندان این دو حوزه است. لذا این پژوهش با مطالعه موردی و تطبیقی دو نگاره، "مجادله‌ای در حضور قاضی" و "جدال سعدی با مدعی" از دو نگارگر بنام ایران، کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی با موضوع واحد "جدال" که هر دو بازتابی از داستان‌های سعدی شیرازی با عناوین ذکر شده است، سعی در بررسی این فرضیه دارد که با توجه به تقدم زمانی نگاره جدال کمال‌الدین بهزاد، امکان الگوگیری رضاعباسی از کمال‌الدین بهزاد در هر دو مرحله انتخاب موضوع اثر و نیز نحوه بازتاب وجود دارد. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، تحلیل تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های دو نگاره و تبیین میزان موفقیت هر نگاره در باز نمود درون‌مایه حکایت مربوط به هر اثر، در کنار نوآوری‌ها و ترفندهای هنری برآمده از روایات و مهارت‌های هریک از آنها است. همچنین از جمله اهداف ویژه می‌توان به مستندنگاری دقیق نمونه‌های مورد مطالعه و تحلیل ویژگی‌های اصلی دو اثر نگارگری بر مبنای نحوه باز نمود هر نگاره اشاره کرد. مراحل مذکور زمینه‌ساز پاسخ به این پرسش اصلی است که: "از میان دو نگاره متعلق به کمال‌الدین بهزاد و رضاعباسی، کدام یک میزان بیشتری از تناسب با متن حکایت مرجع و نوآوری را در اثر خویش به‌کار برده‌اند؟" پژوهش فرضیه محور حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی با نظر به مبانی بینامتنیت به انجام رسیده است یافته‌های پژوهش حاضر گویای آن است که هر دو هنرمند میزان قابل‌توجه و تقریباً برابری از نوآوری و همچنین تعهد نسبت به داستان مرجع را در آثار خویش به‌کار برده‌اند، لیکن براساس مشخصه‌های اصلی، نگاره رضا عباسی بازتاب رساتری از داستان مربوط به نگاره خود را دارد. لازم به ذکر است که یافته‌های پژوهش همچنین مبین اثبات بخشی از فرضیه و رد قسمتی از آن بوده و به‌نوعی امکان الگوگیری رضاعباسی از نگاره کمال‌الدین بهزاد برای خلق نگاره خود را کم‌رنگ می‌داند.

واژگان کلیدی

نگارگری، ادبیات، سعدی، کمال‌الدین بهزاد، رضا عباسی، جدال، بینامتنیت.

*. پژوهشگر دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران. نویسنده مسئول ۰۹۱۳۰۸۳۸۴۵۴
negareh.esf@gmail.com

** پژوهشگر دکتری پژوهش هنر. دانشگاه هنر اصفهان. m.12emami@au.ac.ir
*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان. fesharaki311@yahoo.com

مقدمه

ژرار ژنت^۲، میکائیل ریفاتر، لوران ژنی، بلوم و حتی رولان بارت^۳ و برخی دیگر گسترش یافت (نامورمطلق، ۱۳۹۰). در مطالعات بینامتنی، به هر اثر به‌مثابه متنی نگریسته می‌شود که شکل‌گیری آن بدون وجود پیش‌متن‌های لازم، غیرممکن است. از شیوه‌های مختلف فرامتنیت^۴، دو گونه بینامتنیت و بیش‌متنیت بیشترین کاربرد را در بررسی روابط حاکم مابین دو یا چند اثر هنری دارند (کنگرانی، ۱۳۸۸). رابطه «بینامتنی» براساس حضور یک عنصر مشترک در دو متن گوناگون (هم‌حضور) بناشده است. ولی رابطه «بیش‌متنی» براساس اقتباس یک اثر از اثری دیگر (برگرفتنی^۵) استوار شده است. لازم به توضیح است که این اقتباس می‌تواند بدون اعمال تغییرات (همان‌گونگی^۶) یا با اعمال تغییرات -چه کم و چه زیاد- باشد (دگرگونگی^۷) (نامورمطلق، ۱۳۸۸).

جایگاه خاص ادبیات و نگارگری در هنر ایران و تأثیرگذاری شخصیت‌هایی چون سعدی، کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی در این دو حوزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تحقیقات خوبی در این دو حوزه انجام‌گرفته است که برای تشخیص بهتر می‌توان آنها را در سه دسته ارایه کرد، دسته اول منابعی هستند که به مطالعه دو حوزه ادبیات و نقاشی پرداخته‌اند: از جمله مقدم اشرفی (۱۳۶۷) در کتاب خود که «همگامی نقاشی با ادبیات در ایران» نام دارد، اطلاعات مفیدی در مورد نحوه ارتباط دو حوزه ادبیات و نقاشی به‌صورت مصور ارایه می‌دهد. البته تأکید او بیشتر بر نگارگری است و تصاویر اغلب از این حوزه است (مقدم اشرفی، ۱۳۶۷)، از موارد دیگر مقاله مولوی ناقچی و شمس‌آبادی (۱۳۹۲) است که با عنوان «پیوند میان شعر و هنر نقاشی» حاوی اطلاعات خوب، اما مختصر در مورد این دو حوزه است، مهم‌ترین نتایج حاصل شده در این پژوهش گویای تشابه مبانی دو حوزه شعر و نقاشی با توجه به شاخصه‌هایی همچون احساس هنرمند و ترکیب هر دو حوزه از ریزعناصر هنری است (مولوی ناقچی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۲). همچنین مقاله اردلان جوان (۱۳۸۷) که با عنوان «ادبیات و نقاشی دو جلوه از یک حقیقت»، به چاپ رسیده، با بهره‌گیری از منابع اصلی چون کتاب مقدم اشرفی، به مطالعه عناصر اصلی دو حوزه پرداخته است و مهم‌ترین یافته‌های آن نشان از این مورد دارد که دو حوزه ادبیات و نقاشی با توجه به امکانات و محدودیت‌های خود هر یک به نوعی بازتاب دهنده اصل موضوع و حقیقت است (اردلان جوان، ۱۳۸۷).

ما دسته دوم منابعی هستند که پیرامون سعدی و ویژگی‌های آثار و شخصیت او نگاشته شده‌اند. تعداد این دسته از منابع، با توجه به اهمیت و پیچیدگی شخصیت سعدی، بسیار زیاد است. از جمله مهم‌ترین آنها: مقاله گرجی (۱۳۸۳) با عنوان «تحلیل گفتمان حکایت جدال سعدی و مدعی با نظر به

شیوه‌های شخصی و ابداعی نگارگران در دوره‌های مختلف هنر ایران می‌تواند بیانگر توانمندی‌ها، دیدگاه‌ها، شرایط اجتماعی و روحیات آنها باشد. در این‌بین، هستند هنرمندانی که در به‌کارگیری این امور و در نتیجه در بیان ویژه خود موفق‌تر از دیگران عمل کرده‌اند. به‌صراحت می‌توان کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی را از جمله بهترین نمونه‌های دستیابی به این شیوه و قدرت بیان در عالم نگارگری دانست؛ اما حقیقت این است که میان کار این دو نیز، تفاوت بسیار بوده و نتیجه آن در آثارشان مشهود است. لذا این پژوهش درصدد است تا ضمن پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، به موارد دیگری چون تأثیرپذیری رضا عباسی از کمال‌الدین بهزاد در خلق این اثر و رابطه دو حکایت از سعدی در نگاهی جزئی‌نگر نیز -هر چند به صورت مختصر- بپردازد. چراکه هدف اصلی، برتری دادن یک نگارگر بر نگارگر دیگر نیست؛ بلکه درک بهتر شیوه و نوع نگاه دو نگارگر در مقایسه با یکدیگر است. هدفی که امکان دستیابی به آن، بدون پاسخ به سؤالات فرعی پیرامون نوع حکایات، خلقتات و روابط اجتماعی میان آثار سعدی و نگاره‌های برگرفته از آن، دشوار به نظر می‌سد.

علی‌رغم مطالعات خوبی که در خصوص نگارگری و ادبیات و تطبیق آنها با هم انجام شده است، به نظر می‌رسد که بررسی موردی و دقیق به صورت چند وجهی و با توجه به زوایای پنهان هنری و شخصیتی هنرمندان، می‌بایست که شایسته توجه بیشتری از سوی پژوهشگران است. لذا دغدغه نگارندگان پیرامون لزوم شناخت عمیق هنرهایی است که بخش مهمی از فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی را به وجود آورده‌اند. پرداختن به سؤال اصلی و بررسی احتمال اقتباس هنری از دیگر موارد مورد توجه نگارندگان بوده است؛ از این‌رو محدوده مورد پژوهش و تمرکز اصلی مقاله بر روی دو حکایت از سعدی است که هر کدام از دو هنرمند، یکی از این نگاره‌ها را دستمایه خلق اثر خویش قرار داده‌اند. لذا در ابتدا، سعدی و دو حکایت وی با موضوع مشترک مجادله معرفی شده و سپس در بخش‌های جداگانه، به کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی پرداخته می‌شود. آنگاه با تجمیع، تطبیق و تحلیل داده‌ها، برای دستیابی به نتیجه تلاش می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

با در نظر گرفتن ماهیت بینارشته‌ای پژوهش حاضر، مبانی نظری آن در سه حوزه روش‌شناسی، ادبیات و نگارگری مطرح است. از جمله روابطی که به‌طور معمول می‌تواند مابین دو یا چند اثر هنری برقرار باشد. رابطه «بینامتنیت» است که نخستین بار در سال ۱۹۶۶ توسط جولیا کریستوا^۸ مورد استفاده قرار گرفت و به وسیله محققان دیگری همچون

تمایز این پژوهش از دست‌آوردهای سایر محققان است.

روش انجام پژوهش

از جمله ابزار حصول علم و کسب شناخت دقیق از آثار پیرامون، توجه به وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. روش مطالعات تطبیقی یکی از شیوه‌هایی است که با کمک آن می‌توان به بررسی این امور پرداخت. محقق در این روش ابتدا با مطالعه و توصیف هر اثر به شناختی کلی دست می‌یابد و آنگاه با تطبیق جزء به جزء یافته‌ها، به درک کامل‌تری از روابط بین دو اثر می‌رسد.

این پژوهش کیفی به دلیل تشریح روابط تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آثار، در شاخه توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد، و اطلاعات اولیه خود را با اتکا به اسناد و کتب معتبر موجود جمع‌آوری کرده که متکی بر گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. سپس با مشاهده عینی و تطبیق جزء به جزء تصویر دو نگاره و مقایسه آن با متن حکایات، سعی در دستیابی به نتایج نهایی و کشف روابط بینامتنی آثار داشته است.

سعدی و دو حکایت از او با موضوع جدال (یکی در بوستان و دیگری در گلستان)

ابومحمد مُصلِح‌الدین بن عبدالله، نامور به سعدی شیرازی و مشرف‌الدین، از شاعران قرن هفتم ه.ق. ایران است. آثار ارزشمند او در چهار گروه بوستان، گلستان، غزلیات و مواعظ دسته‌بندی می‌شود که سرشار از سخنان ارزشمند و پندآموز است. از میان شاعران ایرانی سعدی شیرازی به علت «گسترده‌گی طیف مضامین و پیچیدگی شخصیت، همواره مورد بحث و جدال منتقدان و محققان، از عصر مشروطه تا معاصر قرار گرفته است» (علی مدد، ۱۳۹۱: ۳۹).

واژه "جدال" اسم مصدر عربی از ریشه "جَدَل" است. تعابیر تقریباً یکسانی برای واژه "جَدَل" در فرهنگ لغات فارسی بیان شده است. در فرهنگ لغت دهخدا، این کلمه با خصومت و دشمنی مترادف دانسته شده (دهخدا) و در فرهنگ فارسی معین، کلماتی چون ستیزه، کشمکش و بحث و گفتگو با جدل هم‌معنا انگاشته شده‌اند. (معین) در فرهنگ عمید، واژه جروب‌بحث و همچنین واژه بگومگو به معانی واژه جدل افزوده شده (عمید) و در فرهنگ واژگان مترادف و متضاد نظایر متعددی همچون پیکار، جنگ، خصومت، داوری، ستیزه، مباحثه، محاجه، منازعه، مناقشه و نزاع برای آن در نظر گرفته شده است. (خداپرستی)، اما جدل یا چنان‌که در گلستان آمده (جدال) «از زمان‌های باستان شیوه اصلی درس و بحث در مدرسه و سایر محافل علمی بوده و گویا نخستین بار در یونان باستان به این منظور جا افتاد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۰۱).

مؤلفه‌های گفت‌وگو، است. مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که سعدی در بلندترین حکایت خود در گلستان از بین مؤلفه‌های گفت‌وگو به شماری از آنها از جمله (گوش دادن آگاهانه، خویشتن داری و غیره) ملتزم نبوده است و این مورد بیش از دلالت فردی دارای دلالتی اجتماعی است (گرچی، ۱۳۸۳). مقاله مهم دیگر در این باب، نوشته همایون کاتوزیان (۱۳۸۱) است که «جدل‌های سعدی» نام دارد. وی در این مقاله با نگاهی غالباً توصیفی به معرفی داستان هر دو جدل (جدال) موجود در گلستان و بوستان پرداخته است و در پایان قسمت‌های مهمی از این دو حکایت را بازتاب روح‌خلاق هنرمند و نه واقعیت محسوس می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۱).

دسته سوم منابع، پژوهش‌هایی هستند که پیرامون کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی نگاشته شده‌اند. تعداد این دسته از منابع نیز قابل توجه است. از جمله مهم‌ترین موارد، کتاب کنبی (۱۳۸۴) با عنوان «رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش» است؛ که ضمن معرفی تک‌تک آثار شاخص وی به تفکیک ادوار زندگی این هنرمند، با آنالیز ساختار و تحلیل محتوای هر اثر می‌پردازد. مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است که شخصیت رضا عباسی و روحیات و باورهای وی تأثیر پررنگ و مستقیمی بر آثار وی داشته است (کنبی، ۱۳۸۴). از جمله پژوهش‌های مهم دیگر است می‌توان از آفرین (۱۳۹۲) با عنوان «نگره مؤلفو آثار کمال‌الدین بهزاد و رضاعباسی» اشاره داشت. مؤلفدر این مقاله از طریق بررسی ویژگی‌ها و شاخصه‌ها بازتاب‌یافته و همچنین مبحث مهم امضاء در آثار این دو هنرمند شاخص، به نوعی به تحلیل نوع نگرش، جهان‌بینی و باورهای آنها پرداخته است و مهم‌ترین نتایج حاصل از آن یافتن ردپاهایی از ابعاد مختلف وجودی دو مؤلف (هنرمند) در آثار آنهاست (آفرین، ۱۳۹۲). از جمله مطالعات دیگر در این بخش می‌توان به شیرازی (۱۳۸۵). اشاره داشت. نویسنده در این مقاله که عنوان آن «کمال‌الدین بهزاد بزرگ‌ترین نقاش دنیای اسلام» است، به مطالعه آثار برتر این هنرمند بزرگ و تحلیل نقاط قوت وی می‌پردازد (شیرازی، ۱۳۸۵).

با این حال تعداد تحقیقات تطبیقی یا بینارشته‌ای در حوزه نگارگری و ادبیات کمتر از حد انتظار است. از طرفی در همین منابع نیز اغلب به صورت کلی به دو حوزه نقاشی ایرانی و ادبیات پرداخته شده و کمتر تحقیقی با تمرکز بر یک موضوع واحد مشترک بین ادبیات و نگارگری به رشته تحریر درآمده است. به همین جهت این پژوهش در نظر دارد تا با تمرکز بر یک موضوع واحد (جدال) به مطالعه تطبیقی ادبیات و هنر پرداخته و در کنار آن ویژگی‌های دو اثر نگارگری را نیز با یکدیگر تطبیق دهد. موارد یادشده به‌خوبی بیانگر وجه

۱- دارا و شبان ۲- مجلس ضیافت سلطان حسین بایقرا در باغ
۳- گریز یوسف (ع) از دست زلیخا ۴- مجلس ضیافت سلطان
حسین بایقرا در سرای خانه ۵- مجادله‌ای در حضور قاضی
(آزند، ۱۳۸۹: ۴۱۰) ۶- جلوه‌ای از عبادت و تعلیم در مسجد؛
که چهار نگاره از این تعداد دارای رقم (امضای) بهزاد است.
نگاره پنجم با نام «مجادله‌ای در حضور قاضی» جهت بازنمایی
تصویری بخشی از متن زیر ترسیم شده است.

از نکات مهم حکایت جدال بوستان سه نکته است. اول اینکه
توجه اهل دنیا به ظاهر افراد، چنان‌که قاضی در آن تنگدست
ناشناس تیز‌نگریست و آنگاه او را از ایوان فرود آوردند. دیگری
توجه اهل دنیا به قدرت چنان‌که وقتی همان مرد با دخالت
پیروزمندانه خود در بحث، قدرت‌نمایی کرد، رفتارشان با او
عوض شد و سوم رفتار فروتنانه و دور از تکلف مردان خدا و
اهل آخرت چنان‌که مرد درویش تکریم و تجلیل آنان را از
ترس تغییر رفتارشان با مردم نپذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۱). در
این حکایت از باب چهارم بوستان (باب تواضع) سعدی پس از
پایان ماجرا و پیروزی بر رقبای پرده‌از‌چهره عالم‌ناشناس برداشته
و با قدری خودستایی، او را خود برمی‌شمرد (همان: ۳۰۲).
اما حکایت بعدی مربوط به نسخه‌ای از گلستان سعدی است
که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نسخه از گلستان
سعدی که دارای ۱۳۶ صفحه و ۱۲ نقاشی است، فاقد
تاریخ دقیق بوده اما حدود آن ۱۰۲۴ ه.ق. برآورد شده است
(سودآور، ۱۳۸۰: ۲۸۲). به خط خطاط به نام عهد صفوی،
میر عمادالملک حسنی بوده و نگاره‌ای از رضا عباسی نیز
در آن موجود است. این نگاره با آبرنگ مات بر روی کاغذ
و در ابعاد ۷،۵ در ۱۵،۳ ترسیم شده و ممکن است توسط
شخص دیگری غیر از رضا عباسی رنگ‌آمیزی شده باشد
(کنبی، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

اما یکی از طولانی‌ترین و مفصل‌ترین حکایات سعدی در
گلستان، حکایتی است که در آخر باب هفتم (در تأثیر

از سعدی شاعر بلندآوازه پارسی دو جدل در دست است، یکی
حکایت نوزدهم در باب هفتم (در تأثیر تربیت) گلستان و
دیگری در باب چهارم (تواضع) بوستان. دو حکایت فوق‌الذکر
که هر دو در پیروی از سبک جاودانه سعدی دارای مفاهیم
تعلیمی و اخلاقی است، علاوه بر اشتراک مضمونی جدال
و مباحثه، نقاط مشترک دیگری همچون: حضور شخصیت
سعدی در هر دو اثر، فراز و فرودها و نقاط اوج دو داستان،
سرانجام خیر با حضور شخص قاضی، حضور دو طبقه
اجتماعی ثروتمند و فقیر و غیره دارند که در کنار تفاوت‌هایی
همچون شدت مجادله و مباحثه، جایگاه متفاوت سعدی در
دو حکایت و غیره قرار گرفته و این دو اثر ادبی را در زمره آثار
تأثیرگذار و مهم سعدی قرار داده است. به‌طور کلی سعدی
سه مرتبه از واژه جدل و دو مرتبه از واژه جدال استفاده کرده
است؛ که جدال‌ها در گلستان و جدل‌ها در بوستان، دیوان
اشعار و قصاید اوست.

نسخه بوستان سعدی، مصور شده در مکتب هرات یکی از
شاهکارهای هنری ایران در زمینه کتاب‌آرایی و تصویرگری
است که در دوران تیموریان و تحت حمایت وزیر این خاندان،
امیرعلیشیر نوایی در حدود سال‌های ۸۹۴-۸۹۳ ه.ق. مصور
شد. این اثر دارای ۱۸۰ صفحه بوده که هرکدام مشتمل
بر ۱۳ سطر است. ابعاد اوراق ۱۹ در ۲۷ سانتی‌متر است.
(نجفی، ۱۳۶۸: ۱۴۶) این نسخه نه‌تنها یکی از باارزش‌ترین
نسخه‌های خطی بوستان سعدی در جهان است، بلکه از
لحاظ خوشنویسی، تذهیب، تجلید و تصاویر متن، از جمله
باشکوه‌ترین و جالب‌ترین آثار عصر تیموری به شمار می‌آید.
این نسخه توسط بزرگ‌ترین هنرمندان آن عصر، از جمله:
کمال‌الدین بهزاد (نقاش)، سلطانعلی کاتب (خوشنویس) و
یاری (مذهب) به وجود آمد در نسخه مذکور به قولی شش
نگاره از کمال‌الدین بهزاد به شرح زیر وجود دارد که در انتساب
نگاره‌های آن به بهزاد تردیدی نیست (نامورمطلق، ۱۳۸۷):

فروتر نشین، یا برو، یا بایست
کرامت به فضل است و رُتبت به قدر
همین شرمساری عقوبت بست
به خواری نیفتد ز بالا به پست
چوسرپنجه‌انسیست، شیری مکن
که بنشست و برخاست بختش به جنگ
فروتر نشست از مقامی که بود
لم و لا اسلم درانداختند
به لا و نعم کرده گردن دراز
فتادند در هم به منقار و چنگ
یکی بر زمین می‌زند هر دو دست
(سعدی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

ندانی که برتر مقام تو نیست
نه هرکس سزاوار باشد به صدر
دگر ره چه حاجت به پند گسست؟
به عزت هرآن‌کو فروتر نشست
به جای بزرگان دلیری مکن
چو دید آن خردمند درویش رنگ
چو آتش برآورد بیچاره دود
فقیهان طریق جدل ساختند
گشادند بر هم در فتنه باز
تو گفتی خروسان شاطر به جنگ
یکی بی خود از خصمانکی چو مست

می‌رفت تا حدی که موضوع محوری داستان را کم‌وبیش از میدان به در می‌برد (تصویر ۱).

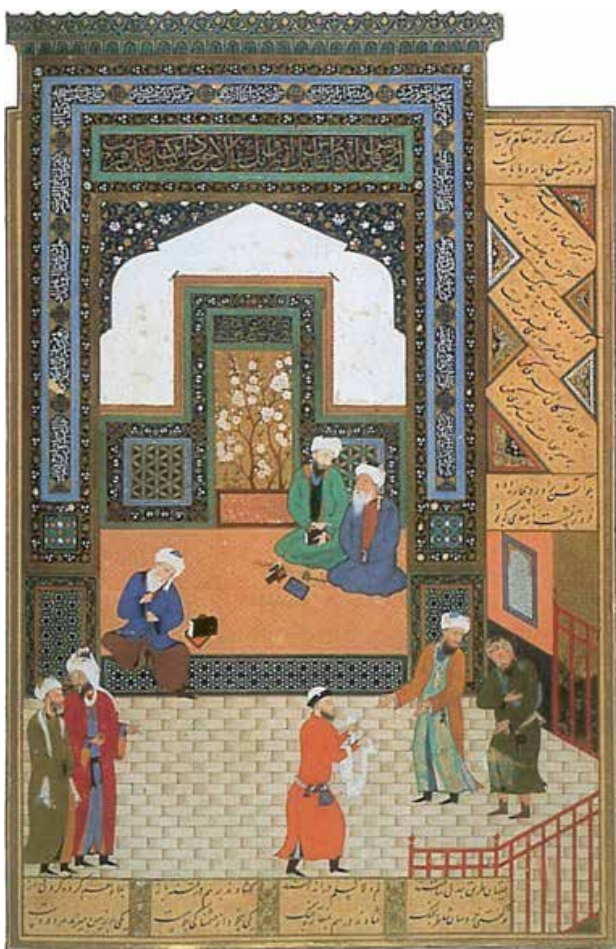
بهزاد در نگاره «مجادله‌ای در حضور قاضی» (تصویر ۱) علاوه بر تأکید بر حفظ چهارچوب فنی، تأکید خاصی بر نمایش دقیق کاشی‌کاری عصر تیموری داشته و از این راه توانسته است، صورت بدیعی از رنگ‌های هماهنگ را بیافریند (قمی اویلی و شیخ مهدی، ۱۳۹۰). اطراف نمای خارجی مقصوره در میان ۱۳ ترنج و مقداری کتاب ترسیم شده است. بهزاد نام خود و تاریخ اتمام نگاره را به خط خویش، در ترنج سیزدهم چنین ثبت کرده: «عمل العبد بهزاد فی سنه اربع و تسعین و ثمانمیه» (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۵۲). که گواه تکمیل این برگ در سال ۸۹۴ ه.ق. است. در متن نگاره دو عالم با جامه‌هایی سبز و آبی دیده می‌شوند که گویا به آرامی در حال سخن گفتند. در حفاصل بین زیر مقصوره و حیاط، عالمی دیگر دیده می‌شود که گویی در حال به پای کردن نعلین و ترک محل

تربیت) آمده است. زبان این حکایت از نوع روایت، آمیزه‌ای از اول شخص و نوعی گزارش گفت‌وگویی است که سعدی میان خود و مدعی ترتیب می‌دهد. در ادامه روایت و با اوج گرفتن مناقشه و مضاربه، قاضی وارد داستان می‌شود (گرجی، ۱۳۸۳). متن این داستان بسیار گویا و گیرا بوده و با ابیاتی عبرت‌آموز در دفاع از عقاید متضاد تکمیل یافته است. سعدی خود، خلاصه داستان را چنین بیان می‌کند: «گفتن آغاز کرد سنت جاهلان است که چون به دلیل از خصم فرومانند سلسله خصومت بجنابند. چون آزر بت تراش که به حجت با پسر برنیامد به جنگش برخاست. دشنام داد؛ سقطش گفتم. گریبانم درید. زخندانش گرفتم. او در من و من در او فتاده» (سعدی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۸۴). خلاصه این داستان جذاب به این صورت است که: سعدی در مجلسی با درویش صورتی برخورد می‌کند که لب به سخن گشوده و مذمت توانگران می‌گوید و دلیل فقر خود و هم‌قطارانش را به آنان نسبت می‌دهد. سعدی که بنا بر قول خود، پرورده نعمت بزرگان است، به مناظره و مقابله با سخنان وی می‌پردازد و حسن توانگران برمی‌شمرد. این بحث تا به جایی ادامه می‌یابد که در نقطه اوج خود به درگیری فیزیکی و جدلی کامل مبدل می‌شود. در این میان الفاظ ناشایستی نیز از هر دو شخصیت در متن حکایت صادر شده است. همچنین متن داستان مزین به انواع صناعات ادبی همچون واج‌آرایی، تمثیل، مبالغه، کنایه، استعاره و امثال آن است.

کمال‌الدین بهزاد و نگاره او از حکایت «مجادله‌ای در

حضور قاضی» در باب چهارم بوستان

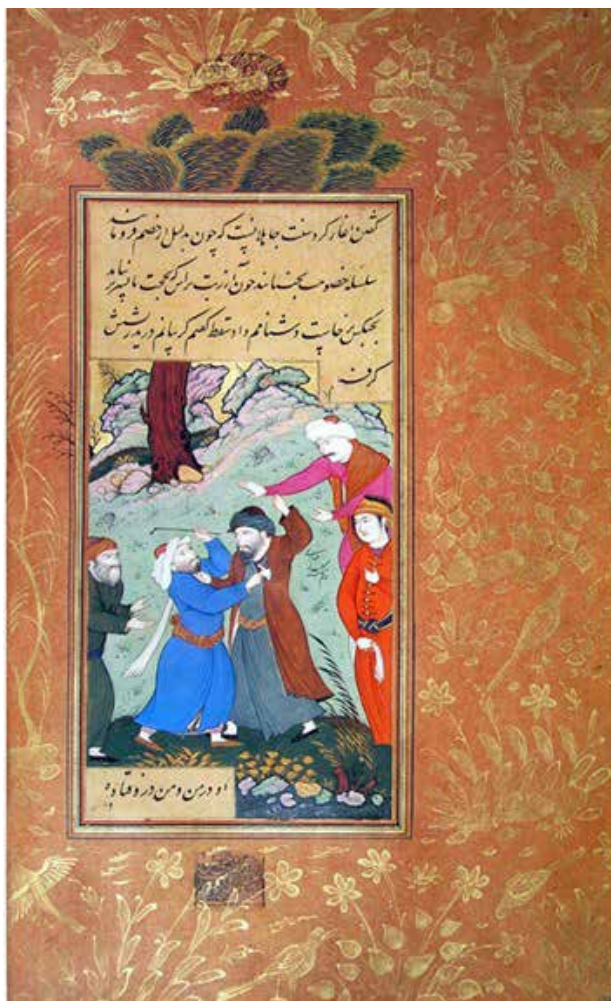
از مشهورترین و بانفوذترین نقاشان دربار سلطان حسین، و نابغه هنر نگارگری ایران و مکتب هرات کمال‌الدین بهزاد هراتی است. بهزاد در عمر تقریبی ۷۵ ساله (درگذشت ۹۴۱-۹۴۲ ه.ق) خود شاگردان بسیاری را که به شیوه وی کار می‌کردند تربیت کرد به احتمال زیاد حدود سال ۸۷۴ ه.ق. آغاز به فعالیت کرده و آثار معتبر وی متعلق به سال‌های ۸۸۴-۸۹۵ ه.ق. است (کنبی، ۱۳۹۱: ۷۶). نوآوری‌های بهزاد علاوه بر حوزه پردازش و تکنیک، در حوزه موضوع هم بوده است. استفاده از رنگ‌ها به‌عنوان عنصر مهم بیانی، یکسان‌سازی ابعاد، شخصیت‌پردازی و انسان‌محوری در موضوعات روزمره که قبلاً کسی به آنها نپرداخته بوده، از جمله این ابداعاتند (شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۹). لذا دستاورد بهزاد برای سنت نقاشی ایرانی ارایه بُعد دنیوی و این جهانی در تصویرگری نسخه‌های خطی از طریق نمایش چهره‌هایی با حالات و ویژگی‌های متفاوت همچون: در حین سخن گفتن یا تکان دادن سر و دست بوده است. همان جزئیات تصویری که از مقتضیات روایتگرانه اکید متن فراتر



تصویر ۱. نگاره "مجادله‌ای در حضور قاضی" اثر کمال‌الدین بهزاد، براساس حکایتی از بوستان سعدی. مأخذ: Bahari, 1997: 107.

فضای کادر قرار گرفته و دو عدد از آنها توسط کادر برش خورده‌اند. «تزدیک‌ترین شخص، درویشی است که سمت چپ آنها ایستاده و به‌احتمال زیاد تصویر مربی روحانی رضا، درویش غیاث سمنانی است» (همان). قلم‌گیری و پرداز در نهایت مهارت و قدرت است ولی از اضافه کردن تزیینات یا ریزه‌کاری‌های غیرضروری اجتناب شده است. تصویر کاملاً گویا و فضاسازی به‌طور کامل در اختیار موضوع اصلی است (تصویر ۲).

مقایسه و مقوله‌بندی عناصر و نشانه‌های چهار متن برای مطالعه تطبیقی بهتر میان دو نگاره، در ابتدا به بررسی عناصر مشترک و متفاوت میان هر نگاره با حکایت منطبق در گلستان و بوستان که هرکدام به‌عنوان متنی در نظر گرفته شده است (نامورمطلق، ۱۳۸۷)، پرداخته می‌شود.



تصویر ۲. نگاره "جدال سعدی با مدعی" اثر رضا عباسی، براساس حکایتی از گلستان سعدی. مأخذ: سودآور، ۱۳۸۰: ۲۸۳.

است. صحن مسجد با سنگ‌های مستطیل منظم به رنگ سفید و خاکستری جلوه‌گری خاصی دارد. «در قسمت چپ صحن، دو طلبه ایستاده در حال قدم زدن و انجام مباحثه به چشم می‌آیند و در قسمت راست، مجتهدی در حال مذاکره با درویشی است. در وسط صحن و در قسمت تحتانی تصویر، طلبه‌ای با جامه قرمز و شال لاجوردی درحالی‌که مشغول بستن عمامه سفید خود است، فضای خالی بین طلبه‌ها را به نحو بسیار زیبایی پر کرده است» (همان).

رضا عباسی و نگاره او از حکایت «جدال سعدی با مدعی» در باب هفتم گلستان

رضا فرزند علی‌اصغر کاشانی از نقاشان پیشروی مکتب اصفهان و عصر شاه‌عباس است، تاریخ تولد وی را در منابع مختلف بین سال‌های ۹۷۰ تا ۹۷۵ ه.ق. در شهر مشهد ذکر کرده‌اند (بهاری، ۱۳۸۵: ۷۷؛ جوانی، ۱۳۸۵: ۱۱۳). از این هنرمند نگاره‌های تک‌برگی و نسخه‌های کتاب آرایبی بسیاری بازنمایی شده است که یکی از نمونه‌های آن، نگاره «جدال سعدی با مدعی» است که در کتاب «رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش» با عنوان «حمله نادریش به سعدی» ذکر شده است (همان، ۱۵۳). این نگاره (تصویر ۲) از معدود کتاب‌آرایبی‌های رضا عباسی است که به شکلی ناب، بازتاب دهنده ویژگی‌های سبکی و روحیات خاص هنرمند است. این نگاره که با رقم رضا عباسی و متعلق به سال ۱۰۲۴ ه.ق. است، جدال، مناقشه و درگیری فیزیکی میان سعدی و مرد په ظاهر درویشی را به تصویر کشیده است. رضا عباسی صرفاً به نقطه اوج حکایت یعنی مناقشه و درگیری فیزیکی دو شخصیت اصلی پرداخته است. انتخاب آگاهانه این بخش از حکایت طولانی «جدال سعدی با مدعی» که تا حدودی گویای شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و روحیات هنرمند است، به نوعی مشابهت اخلاقی و همزادپنداری دو هنرمند، یعنی رضا عباسی و سعدی را نیز نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که مخاطب با نگاه کردن به این نگاره و توجه به آنچه رفت با سوالاتی پیرامون زوایای پنهان شخصیت سعدی روبرو می‌شود.

حال و هوای این نگاره به‌طور کل با نگاره‌ای که بهزاد از حکایت جدل بوستان ترسیم کرده متفاوت است. «گفته شده است که رضا در محافل کشتی‌گیران و مردم فقیر و بی‌بضاعت که بین آنها مجادله عادی بوده، بسیار شرکت می‌کرده است» (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۸۲). در اثر رضا عباسی پیکره‌ها به شکل واضحی در حال منازعه هستند. از میان دو پیکره اصلی، یکی دست در گریبان دیگری دارد و آن دیگری ریش طرف مقابل را به چنگ گرفته است. با توجه به متن حکایت تشخیص شخص سعدی از فرد مدعی به‌سادگی میسر است. سایر پیکره‌ها به طرز زیبا و کم‌سابقه در هنر ایران در

تطبیق شاخصه‌های دو داستان سعدی

با توجه به اینکه در آثار سعدی تنها همین دو حکایت با موضوع جدل وجود دارد، بررسی و تطبیق این دو با هم خالی از لطف نیست. مضاف بر اینکه در دو داستان خود سعدی نیز حضوری پررنگ دارد. با طرح شاخصه‌های اصلی و مشترک هر دو داستان و قرار دادن این موارد در جدول می‌توان دستیابی به نتایج را تسهیل کرد (جدول ۱). جدای از مباحث کلی و موضوع هر دو جدل، با توجه به مطالب جدول فوق می‌توان مشاهده کرد که در مجموع، داستان مندرج در گلستان از شور و حرارت بیشتری نسبت به همتای خود در بوستان، برخوردار است.

تطبیق نگاره بهزاد و حکایت "مجادله‌ای در حضور قاضی" در باب چهارم بوستان

برای بررسی دقیق عناصر موجود در نگاره مصور شده توسط بهزاد با متن داستان سروده شده توسط سعدی می‌توان چند دسته از عناصر را در نظر گرفت. مقایسه این موارد در جدول ۲ آمده است.

الف: عناصری که در هر دو متن وجود دارند. مواردی چون کنشگران اصلی، دستار تقدیمی در داستان معرف، ایوان و حرکت. وجود این موارد در هر دو اثر موجب پیوند آن دو با هم و برقراری ارتباط معنادار بین متن نوشتاری و نگاره می‌شوند.

ب: عناصری که در حکایت بوستان وجود دارد ولی در نگاره بهزاد حضور ندارد؛ مانند لحظه اوج، حالات و احساسات شخصیت‌های اصلی، سخنوری پیروزمندانه عالم درویش. این عناصر با توجه به اینکه پیرامون متن و مفاهیم تمثیلی آن است، عناصر اندکی را در بعد عینی شامل می‌شود.

ج: عناصری که در نگاره بهزاد به‌وضوح دیده می‌شود ولی در متن حکایت دیده نشده مانند پرداختن به معماری عمارت و مکان، تزیینات کاشی‌کاری، رنگ‌بندی تصویر و لباس‌های افراد. این دسته از عناصر و نشانه‌ها از آن جهت مهم هستند که چگونگی میزان و عمق ارتباط میان نگاره بهزاد و تفاوت‌های آن را با شعر سعدی نشان می‌دهد؛ و نشان از سهم نگارگر در نگاهی خلاقانه به موضوع دارند (جدول ۲).

تطبیق نگاره رضا عباسی و حکایت "جدال سعدی با مدعی" در باب هفتم گلستان

در این بخش نیز، برای سهولت در تطبیق و تحلیل، مطابق بخش قبل عناصر موجود به سه گروه تقسیم می‌شوند.

الف: عناصری که در هر دو متن وجود دارند؛ مانند لحظه اوج، کنشگران اصلی، نوع مضاربه و پیامدهای عینی آن، وجود واسطه و بیان احساسات. تعداد این دسته از عناصر که موجب پیوند و تناسب بیشتر میان دو متن می‌شوند، در حد محدودی است که نشان‌دهنده عدم تمایل (امکان)

جدول ۱. مقایسه شاخصه‌های مشترک در دو داستان سعدی با موضوع جدل. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	شاخصه	داستان مندرج در بوستان	داستان مندرج در گلستان
۱	فضاسازی حکایت	اشاره به ایوان قاضی	در محفلی
۲	شخصیت‌پردازی	سعدی خود را فقیه، فقیر، عالم و قاضی را مغرور، ظاهربین، سست اراده، درون تهی می‌داند.	سعدی خود را، متنعم، منطقی و غالب و درویش را ریاکار، مغلوب، فقیر و بی‌منطق می‌داند.
۳	شیوه نگارش	راوی سوم شخص با گفت‌وگوی (دیالوگ) مختصر	راوی اول شخص با گفت‌وگوی (دیالوگ) فراوان
۴	جو حاکم بر حکایت	با تنش نسبی کلامی و رفتاری	پرتنش و با استفاده از کلمات خصمانه
۵	دلیل جدل	نفی و دفاع از ارزش ظاهری انسان	نفی و دفاع از خصایص ثروتمندان
۶	اوج و فرود داستان	دارای اوج و فرود نسبی و ملایم	دارای اوج و فرود پرشور و هیجان‌انگیز
۷	شدت جدل	متوسط و در حد گفت‌وگوی تند و استدلال	شدید و همراه با درگیری فیزیکی
۸	شیوه جدل	مباحثه شدید	منازعه و درگیری فیزیکی
۹	جایگاه سعدی	مدافع ارزش درونی انسان	مدافع ثروتمندان
۱۰	نتیجه حکایت	سعدی با مباحثه رقبا را مغلوب و خویش را محبوب می‌نماید.	قاضی هر دو طرف نزاع را نصیحت کرده و موضوع را حل می‌کند
۱۱	نتیجه اخلاقی	ارزش انسان به پوشیدن لباس فاخر نیست	پیام صبر و بردباری به درویشان و روحیه بخشش به ثروتمندان

جدول ۲. مقایسه عناصر موجود در نگاره مصور شده توسط بهزاد با متن داستان سروده شده توسط سعدی در بوستان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	موضوع	موجود در متن بوستان	موجود در نگاره بهزاد
الف	کنشگران اصلی	درویش، قاضی و معرف	باکمی دقت قابل تشخیص هستند
	دستار تقدیمی در داستان معرف	دستار قاضی است که به نشانه جبران اشتباه، قصد اهدای آن به درویش را دارد.	در داستان معرف 
	ایوان	اشاره به ایوان قاضی	منعکس در کل اثر
	حرکت	این دو متن، تنها برای توصیف یک وضعیت نیست، بلکه این روایت جریان و حرکتی را به تصویر می‌کشد. (نامور مطلق، ۱۳۸۷)	به صورت آرام در کل اثر جریان دارد.
ب	آرامش در عین جدل	متن در عین پرداختن به جدل، جوی نسبتاً آرام دارد.	
	سلسله مراتب شروع مباحثه	موضوع به وجود آمدن جدل	بازتابی در نگاره ندارد
	لحظه اوج	نقطه اوج مباحثه و مجادله علماء	بازتابی در نگاره ندارد
	حالات و احساسات شخصیت‌های اصلی	به زیبایی و با استفاده از تشبیهات و استعارات، در متن بوستان وجود دارد.	بازتابی در نگاره ندارد
ج	سخنوری پیروزمندانه عالم درویش	که سرانجام بدوی داستان است	بازتابی در نگاره ندارد
	پرداختن به معماری عمارت و مکان	بازتابی در متن بوستان ندارد	«تصویر مذکور مشتمل است بر حیاط و نمای خارجی دیوارهای متصل به مقصوره مسجد؛ و...» (قمی اوپلی و شیخ مهدی، ۱۳۹۰) 
	تزئینات کاشی کاری	بازتابی در متن بوستان ندارد	بهزاد جلوه‌هایی زیبا از هنر کاشی کاری عصر خویش را بارنگ‌هایی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته (مانند لاجوردی، آبی و سرمه‌ای) را به نمایش درآورده است. 
	رنگ‌بندی تصویر و لباس‌های افراد	بازتابی در متن بوستان ندارد	طیف‌های رنگی متنوع و متناسب با شخصیت‌های مختلف مثل به کارگیری رنگ تیره و غمزده برای لباس کهنه درویش. 

نظیر خود در کار دیگری ارتباط دارند :

بحث

پژوهش حاضر با برگزیدن موضوع واحد «جدال» که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، علاوه بر تلاش در متمرکز کردن نتایج حاصل شده و پرهیز از کلی‌گویی، به بررسی بازتاب این موضوع در دو حوزه، بازشناسی ساختار و تحلیل محتوای چهار اثر از سه هنرمند و نسخ خطی مربوط به هر یک، پرداخته است. لذا از تطبیق بینامتنی هر نگاره با متن داستان و همچنین تطبیق نهایی دو نگاره بر مبنای اطلاعات پیشین با دقت در میزان وفاداری هر نگاره به متن خویش و میزان موفقیت هنرمند مربوط استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش از ابتدایی‌ترین سطح آن یعنی تجزیه و تحلیل ساختار و محتوای دو اثر نگارگری تا سطح میانی پژوهش یعنی مرحله تطبیق دو نگاره و سپس تحلیل بینامتنی دو نگاره به نمایندگی از حوزه نگارگری با دو حکایت از حوزه ادبیات با یکدیگر که مشخص‌کننده تمایزات و شباهت‌ها و از آن مهم‌تر تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های دو اثر بوده است و در نهایت مرحله نهایی تطبیق بینامتنی دو نگاره با مبنای قرار دادن مرجع الهام هر اثر، دارای وجوه نوآورانه و متمایزکننده‌ای است که در نظر مخاطب جلوه می‌کند. هم‌چنین از جمله تفاوت‌های مهم این پژوهش می‌توان به فرضیه‌مند بودن این پژوهش اشاره داشت. فرضیه مطرح در این پژوهش این مورد است که با توجه به تقدم زمانی نگاره جدال اثر کمال الدین بهزاد، امکان اقتباس رضاعباسی از کمال الدین بهزاد در اجرای اثر خویش با درون مایه جدال وجود دارد. در برخوردی منطقی با این فرضیه، احتمال پذیرش بخشی از آن (و نه همه آن) ممکن به نظر می‌رسد. و آن اینکه برخی از صفات هنری همچون حالت‌پردازی و شخصیت‌پردازی، در اثر رضا عباسی به طرز چشم‌گیری قوی‌تر از نگاره‌ای است که توسط کمال الدین بهزاد ترسیم شده است و ممکن بوده که رضا عباسی بعد از مشاهده و اقتباس از اثر کمال الدین بهزاد چنین تمهیداتی را جهت تقویت کار خود، اندیشیده باشد ولی حتی وجود چنین مواردی نیز نمی‌تواند حکمی قطعی در مورد اقتباس رضا عباسی از نگاره بهزاد صادر کند زیرا علاوه بر متفاوت بودن شیوه کار دو هنرمند و تفاوت در سبک هنری حاکم بر زمان و مکان خلق آثار، توجه به این نکته ضروری است که اگر اقتباس کاملی شکل گرفته بود، آنگاه امکان داشت رضا عباسی از نقاط قوت نگاره کمال الدین بهزاد (مانند فضاسازی) نیز در اثر خود استفاده کند. البته لازم به ذکر است که تحقیق در مورد جزئیات این موضوع نیاز به مجالی دیگر دارد.

نقاش برای نمایش همه عناصر داستان است.

ب: عناصری که در متن حکایت وجود دارد ولی در اثر رضا عباسی به آن پرداخته نشده است. این عناصر بیشتر شامل موارد آغازین و پایانی داستان است که البته در مقابل نقطه طلایی داستان که نقاش به تصویر کشیده است از اهمیت کمتری برخوردار است. مثل سلسله مراتب شروع مباحثه و جدال، نحوه حل مسئله توسط قاضی در پایان.

ج: عناصری در نگاره رضا عباسی وجود دارد که در متن حکایت دیده نشده است. این عناصر بیشتر شامل عناصر تجسمی و دیگر موارد است؛ مانند تعدد پیکره‌ها، رنگ‌های لباس متناسب با شخصیت، فضای نقطه اوج حکایت (جدول ۳).

تطبیق نگاره کمال الدین بهزاد از حکایت "مجادله‌ای در حضور قاضی" در باب چهارم بوستان با نگاره رضا عباسی از "جدال سعدی با مدعی" در باب هفتم گلستان

در تطبیق دو نگاره باید به این نکته توجه کرد که وجود اختلاف زمانی بین دو اثر می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر نتایج حاصل داشته باشد و می‌تواند از قضاوت عجولانه جلوگیری کند. اگرچه این پژوهش در مقام مقایسه دو سبک هرات و اصفهان برنیامده است اما قابل انکار نیست که مکتب اصفهان در آموزه‌ها و پیشینه خود مکتب قدرتمند هرات را دارد که این مکتب بخش اعظم توانایی‌های خود را وام‌دار کمال الدین بهزاد و آثار اوست. در کنار این عامل باید به روحیات و خلق‌وخوی دو نگارگر نیز توجه داشت که البته پرداختن به این موضوع مجالی دیگر را می‌طلبد.

با توجه به این نکات، تشابهات و همسانی‌های فراوانی بین دو اثر قابل تشخیص است. از آن جمله:

۱. توجه هر دو هنرمند به انسان و حالات او نسبت به پیشینیان و هم‌عصران خویش است.
 ۲. هر دو نگاره با توجه به هیجان موجود در متن نوشتاری حکایت، از میزان متناسبی هیجان برخوردار هستند.
 ۳. هر دو اثر میزان قابل‌توجهی از نوآوری را نسبت به آثار پیشینیان و هم‌عصران خود نمایش می‌دهند.
 ۴. هر دو اثر براساس تجربیات پیشین هنرمندان به وجود آمده‌اند و می‌توان در آنها نشانه‌های آثار گذشته همان هنرمند را مشاهده کرد.
 ۵. هر دو اثر تا حد ممکن به متن اصلی نوشتار وفادار بوده و مُجدّانه سعی در بازنمود حکایت داشته‌اند.
 ۶. به نظر می‌رسد که انتخاب صحنه ترسیم داستان با روحیات هر کدام از هنرمندان تطبیق داشته است.
- در مقام مقایسه می‌توان موارد مندرج در جدول زیر را (جدول ۴) از محاسن کار هر دو نگارگر قلمداد کرد که به‌نوعی با

جدول ۳. مقایسه عناصر موجود در نگاره مصور شده توسط رضا عباسی با متن داستان سروده شده توسط سعدی در گلستان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	موضوع	موجود در متن گلستان	موجود در نگاره رضا عباسی
الف	لحظه اوج	مضاربه و مناقشه (درگیری فیزیکی) سعدی با فرد به‌ظاهر درویش.	باوجود همه قوانین نگارگری به شکل قوی و فوق‌العاده‌ای در اثر رضا عباسی بازتاب یافته است.
	کنشگران اصلی	سعدی و شبه درویش	مشابه متن گلستان
	نوع مضاربه و پیامدهای عینی آن	پاره شدن لباس سعدی در اثر چنگ زدن مدعی (فرد درویش صورت) و نحوه گرفتن محاسن او توسط سعدی.	
	وجود واسطه	وجود قاضی در متن حکایت.	وجود مردی با کمالات در سمت چپ تصویر که ممکن است حتی با نیت قاضی ترسیم شده باشد و قصد جدا کردن دو نفر را دارد.
	بیان احساسات	در واکنش خشم‌آلود سعدی.	در نمایش شیوه نزاع و حالات چهره‌ها.
ب	پویایی و هیجان	در متن داستان به‌خوبی حس می‌شود.	با توجه به انتخاب صحنه، به‌خوبی در نگاره دیده می‌شود.
	سلسله‌مراتب شروع مباحثه و جدال	موضوع به وجود آمدن جدل.	بازتابی در نگاره ندارد.
	نحوه حل مسئله توسط قاضی در پایان	به تفصیل در متن حکایت به آن پرداخته شده است.	بازتابی در نگاره ندارد.
ج	تعدد پیکره‌ها	بازتابی در متن گلستان ندارد.	در نگاره دو پیکره دیگر وجود دارد که در حکایت گلستان به وجود آنها اشاره نشده است.
	رنگ‌های لباس متناسب با شخصیت	بازتابی در متن گلستان ندارد.	رنگ لباس شخصیت‌ها طبق جایگاه اجتماعی و شخصیتی، متمایز طراحی شده است.
	فضای وقوع نقطه اوج حکایت	بازتابی در متن گلستان ندارد.	فضای باز و طبیعت که ممکن است به تناسب ویژگی‌های نگارگری و سبک نقاشی ترسیم شده باشد.
			

نتیجه‌گیری

اکنون پس از تجزیه و تحلیل و تطبیق اجزاء ساختاری، شباهت‌ها و تفاوت‌های فنی نگاره‌ها، و دستیابی به شناخت بهتری نسبت به نوع نگرش دو نگارگر، در پاسخ به سؤال اصلی می‌توان گفت که هر دو نگارگر از میزان نسبتاً برابری از نوآوری نسبت به آثار زمان خویش بهره برده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود که رضا عباسی به‌خوبی توانسته آموزه‌های پیشینیان خود را با نگاهی تازه به هنری پیش‌رو در عهد صفوی تبدیل کند. این دقیقاً همان کاری است بهزاد در هنر عصر خویش صورت داده است. با این حال تفاوت‌های صوری بین دو اثر نشان از تفاوت‌های عمده‌ای در ذهنیت دو هنرمند دارد که ممکن است براساس شرایط

جدول ۴. مقایسه توانمندی‌های دو نگاره. مأخذ: نگارندگان.

نگاره کمال‌الدین بهزاد	نگاره رضا عباسی
بازتاب نوعی معقولیت و حفظ ساختارها در عین روایتگری و داستان‌پردازی.	بازتاب نوعی تشویش و آشوب در کل نگاره که ممکن است برگرفته از شخصیت پرآشوب و بی‌قرار هنرمند باشد.
استفاده بسیار زیبا از فضای معماری برای تعیین حدود کادر و تقسیم‌بندی کادرها یا کتیبه‌های حاوی متن داستان در فضای کادر.	شکستن کادر توسط عنصر درخت و قرار گرفتن کادر متن در بین آن.
تعداد فیگورهای بیشتر که همگی به‌صورت کامل ترسیم شده‌اند.	تعداد فیگور محدود و برش خورده که در حالتی از آشوب و اضطراب، به نمایش درآمده‌اند.
وجود عناصر تزئینی و چشم‌نواز و شادی‌بخش بسیار همچون شکوفه درخشان و غیره.	خنثی بودن محیط به‌واسطه عدم قرارگیری عناصر تزئینی و مفرح.
فضای باز (long shot) حاکم بر کل اثر.	انتخاب فضای بسته (close shot) برای جریان داستان.
نمایش کم‌رنگ‌تری از مجادلات و حالات خشم.	نمایش قوی از حالات خشم و جدال به‌وسیله حالت صورت و نحوه قرارگیری دست‌ها و آتاتومی.
به نمایش کشیدن شماری از فیگورها به‌صورت نشسته در مقابل فیگورهای ایستاده برای ایجاد تعادل و نمایش آرامش نسبی در نگاره.	سه فیگور ایستاده که در مقام ملاحظه‌گر و اصلاح‌گر توسط کادر عمودی به‌صورت برش خورده تصویر شده‌اند و حالت اضطراب و بی‌قراری را در نگاره تشدید می‌کنند.
به تصویر کشیدن قسمت بیشتری از داستان که حاوی نکات غرض و پندآموز در عین داشتن مضمون مجادله‌ای و مباحثه‌ای است.	پرداختن به نقطه اوج درگیری داستان از میان همه متن مجادله و مناظره.
نمایش خطوط و تزئینات خطی بسیار چشمگیر.	جسارت و شجاعت در تصویرپردازی و نزدیک شدن به زبان تصویری جدید.
توجه به زمینه و فضا با استفاده از ترسیم منظر معماری و کاشی‌کاری	توجه بیشتر به متن داستان و پر کردن زمینه با عناصر طبیعی

اجتماعی و تغییر شیوه هنر به وجود آمده باشد. برخی از این تفاوت‌ها در کار رضا عباسی نسبت به اثر بهزاد عبارتند از: عدم توجه به بیش‌از‌حد به پس‌زمینه، دوری از معماری، استفاده از فیگورهای درشت، توجه بر نقطه اوج داستان، بیان بهتر حالات درونی، پویایی بیشتر حرکات انسانی، برش پیکره‌ها و مواردی از این دست. در نهایت نمی‌توان به‌طور کامل اثر کمال‌الدین بهزاد را بیش‌متن اثر رضا عباسی قلمداد کرد زیرا بینامتن این دو متن بسیار کمتر از چیزی است که در ابتدا به نظر می‌رسد. در واقع در اثر رضا عباسی شواهدی قوی برای اثبات وجود بیش‌متنیت چه از نوع همان‌گونه‌گی و چه از نوع دگرگونه‌گی وجود ندارد. از این رو ارتباط متنی این دو اثر به حداقل خود رسیده است؛ اما هر کدام از این دو اثر روابط بسیار قدرتمندی با پیش‌متن اصلی خود یعنی حکایات سعدی دارند که در برخی موارد و به لحاظ مفهومی، دارای رابطه همان‌گونه‌گی هستند و به لحاظ تبدیل از متن نوشتاری به نگاره، رابطه دگرگونه‌گی دارند. با این حال به نظر می‌رسد که رضا عباسی در برقراری ارتباط با متن نوشتاری کمی موفق‌تر از بهزاد عمل کرده و حال و هوای موجود در نقطه اوج نوشتار را به‌خوبی به بیننده منتقل کرده است. در ابتدای این پژوهش فرضیه‌ای مبنی بر امکان الگوگیری رضاعباسی از کمال‌الدین بهزاد در هر دو مرحله انتخاب موضوع اثر و نیز نحوه بازتاب موضوع مطرح شد که با توجه به یافته‌های پژوهش، بخش قابل توجهی از این فرضیه فاقد دلایل مکفی جهت اثبات است و تنها می‌توان بخش کوچکی از آن را مورد پذیرش قرار داد. نکته مهم دیگر تبیین قرابت بیشتر درونیات و شخصیت رضا عباسی و سعدی شیرازی است. به نوعی که می‌توان وجود پیش‌متنی قوی‌تر را در روحیات و خلق‌وخوی رضا عباسی و سعدی، مؤثر دانست که اثبات یا رد این نکته، می‌تواند موضوع مناسبی برای پژوهش دیگر محققان و علاقه‌مندان باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Coprésence. ۲. Dérivation. ۳. Imitation. ۴. Transformation. ۵. Illustration. ۶. این اثر اکنون در موزه ملی قاهره در کشور مصر در برابر دیدگان علاقه‌مندان قرار دارد. ۷. این نگاره در منابع مختلف با نام‌های متفاوتی آمده است؛ که در این پژوهش، با پیروی از نام‌گذاری دکتر یعقوب آژند، از عنوان «مجادله‌ای در حضور قاضی» استفاده شده است. ۸. در محل مجموعه بنیاد تاریخ و هنر موزه هوستون در تگزاس (کنبی، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

فهرست منابع

- آژند، یعقوب. ۱۳۸۹. نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- اردلان جوان، سید علی. ۱۳۸۸. ادبیات و نقاشی دو جلوه از یک حقیقت، مجله مشکوه، (۱۰۲) : ۹۶-۱۰۴.
- آفرین، فریده. ۱۳۹۲. نگره مؤلفو آثار کمال الدین بهزاد و رضا عباسی، نشریه باغ نظر، ۱۰ (۲۵) : ۸۹-۱۰۰.
- الهامی، فاطمه. ۱۳۸۸. نگاهی به جدال سعدی با مدعی گدایی یا پادشاهی. فصلنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، (۹۲) : ۱۵-۱۸.
- بهاری، عباد ... ۱۳۸۵. رضا عباسی، مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- جوانی، اصغر. ۱۳۸۵. بنیان‌های مکتب نقاشی اصفهان. چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- حسینی، مریم. ۱۳۸۳. تحلیل ساختاری حکایت جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی. دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۳) : ۶۹-۷۹.
- خداپرستی، فرج‌الله. ۱۳۷۶. فرهنگ واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی. چاپ اول. شیراز: دانشنامه فارس.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. ۱۳۳۳. حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. چاپ اول. تهران: انتشارات خیام.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۹۲. لغت‌نامه دهخدا. www.vajehyab.com. بازیابی شده در تاریخ ۹۴/۷/۱۸.
- راکسبرگ، دیوید. جی و پزشکی خراسانی، مریم. ۱۳۸۲. کمال‌الدین بهزاد و نقش او در نگارگری ایرانی. فصلنامه هنر و معماری، (۵۷) : ۱۰۲-۱۲۱.
- سعدی (مصلح ابن عبدالله). ۱۳۹۰. گلستان سعدی، به کوشش مظاهر مصفا. چاپ اول. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- سعدی (مصلح ابن عبدالله). ۱۳۹۰. بوستان سعدی، به کوشش مظاهر مصفا. چاپ اول. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- سودآور، ابوالعلاء. ۱۳۸۰. هنر دربارهای ایران. ت: ناهید محمد شمیرانی. چاپ اول. تهران: انتشارات کارنگ.
- شیرازی، علی‌اصغر. ۱۳۸۵. کمال‌الدین بهزاد بزرگ‌ترین نقاش دنیای اسلام، دوفصلنامه هنر و معماری، مدرس هنر، (۱) : ۲۸-۹.
- طباطبائی، صالح. ۱۳۸۸. مجموعه مقالات نگارگری ایرانی اسلامی در نظر و عمل. چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- عابدی، کامیار. ۱۳۹۱. جدال با سعدی در عصر تجدد. چاپ اول. شیراز: انتشارات دانشنامه فارسی با همکاری مرکز سعدی شناسی.
- خواجه احمد عطاری، علی‌رضا. ۱۳۸۵. مطالعه تطبیقی آثار سه هنرمند مکتب نگارگری اصفهان. گردهمایی مکتب اصفهان (مجموعه مقالات نگارگری (جلد اول)). تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۲۰۹-۱۸۱.
- علی مدد، منا. ۱۳۹۱. جدالی با جدال با سعدی. (نقدی بر کتاب جدال با سعدی در عصر تجدد). کتاب ماه هنر، (۷۰) : ۴۵-۳۹.
- عمید، حسن. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی عمید. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- - فاضل، سیده آیین و چیت‌سازیان، امیرحسین. ۱۳۹۱. رویکردی جامعه‌شناختی بر زندگی رضا عباسی (با بررسی برخی تک‌نگاره‌ها)، فصلنامه نگره، (۲۴) : ۳۶-۵۰.
- قمی، قاضی احمد. ۱۳۶۶. گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری. چاپ اول. تهران: انتشارات منوچهری.
- قمی اوپلی، مصطفی و شیخ مهدی، علی. ۱۳۹۰. پژوهشی پیرامون نسخه مصور بوستان سعدی (مکتب هرات). کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی. کتاب ماه هنر، (۱۵۴) : ۹۰-۱۰۱.
- کنبی، شیلا. ۱۳۸۴. رضا عباسی، اصلاح‌گر سرکش. ت: یعقوب آژند. چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- کنبی، شیلا. ۱۳۹۱. نقاشی ایرانی. ت: مهدی حسینی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه هنر تهران.
- کنگرانی، منیژه. ۱۳۸۸. بیش‌متنیت روشی برای مطالعات تطبیقی هنر. مجموعه مقالات هنر تطبیقی. تهران: فرهنگستان هنر.
- - گرجی، مصطفی. ۱۳۸۳. تحلیل گفتمان حکایت جدال سعدی و مدعی با نظر به مؤلفه‌های گفت‌وگو. دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۲) : ۷۵-۸۸.
- معین، محمد. ۱۳۸۸. فرهنگ معین. به همت جعفر شهیدی. چاپ بیست و ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقدم اشرفی. مختار وفنا. ۱۳۶۷. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران (از سده ششم تا یازدهم هجری قمری). ت: رویین پاکباز. چاپ اول. تهران: انتشارات نگاه.
- منشی، اسکندر بیک. ۱۳۵۰. تاریخ عالم‌آرای عباسی. به کوشش ایرج افشار. نوبت دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مولوی ناقچی، اصغر و شمس‌آبادی، حسین. ۱۳۹۲. پیوند میان شعر و هنر نقاشی. نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، (۲۷) : ۱۷۰-۱۵۵.
- نامورمطلق، بهمن. ۱۳۸۷. در جست‌وجوی متن پنهان (مطالعه بینامتنی نگاره یوسف و زلیخا). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کمال‌الدین بهزاد. تهران: فرهنگستان هنر.
- نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۸. ارتباط متن‌ها براساس هم‌حضور. مجموعه مقالات هنر تطبیقی، تهران: فرهنگستان هنر.
- نامورمطلق، بهمن. ۱۳۹۰. درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- نجفی، سیدمحمدباقر. ۱۳۶۸. آثار ایران در مصر. چاپ اول. تهران: آکادمی علوم اسلامی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. ۱۳۸۱. جدال‌های سعدی. نشریه بخارا، (۲۳) : ۳۱۲-۳۰۱.

- Bahari, E. (1997). *Bihzad Master of Persian Peinting*. I.B. London: UK: Tauris Publishers.